

یادداشت



ابلاغیه اصل ۴۴ و لایحه پیشنهادی دولت

تصویب آن در محتوای ابلاغیه ایجاد شود، جلوگیری خواهد شد.

روشن است که هرگونه اقدام یا اصلاحی که در قوانین و مقررات حاکم و موثر بر اجرای اصل مورد نظر ضرورت داشته باشد، می تواند پیشنهاد آن به عنوان تکلیفی عهده ندهای مربوط واگذار و تصویب آن نیز بر عهده دولت یا یک یا چند کمیسیون مربوط واگذار شود. در این صورت تردید نیست که هم در تصویب چگونگی اجرای سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ تسریع خواهد شد و هم همانگونه که اشاره شد، از بروز انحرافات احتمالی در اصل ابلاغیه جلوگیری خواهد شد.

بنابراین به نظر می رسد اکنون که فضای لازم برای برپاسازی هر چه بیشتر اقتصاد آزاد مهیا شده است، بر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تکلیفی ملی-اخلاقی است که در این زمینه به تفکر نشسته از هیچگونه اقدامی دریغ نوزند؛ اقدامی که در هر حال همانند اصل ابلاغیه در تاریخ تحولات اقتصادی کشور ثبت و به جا خواهد ماند.

مهرافرین

این یادداشت کوتاه ذکر یک یک آنها به علت تفسیرهای گوناگونی که ممکن است از آن به عمل آید، جایز تشخیص داده نشد، به نظر می رسد با توجه به ذات ابلاغیه و شاه بیت آن که لغو انحصارات دولت در تصدیگری های اقتصادی و آزاد شدن ورود بخش خصوصی به کلیه فعالیت های اقتصادی به استثنای چند مورد انگشت شمار از یک سو، واگذاری بنگاه های اقتصادی در اختیار و تصدی دولت و منع دولت از ورود به تصدیگری های اقتصادی از سوی دیگر، همراه با وجود قوانین و مقررات ویژه یا لایحه های نیمه بررسی شده در مجلس شورای اسلامی در هر یک از موارد مورد اشاره در لایحه پیشنهادی می باشد، به حکم منطق چنانچه مجلس شورای اسلامی برای تسریع در تصویب لایحه مورد نظر برای اجرای ابلاغیه به نحوی اقدام نماید که ابلاغیه بدون هر گونه دخل و تصرف در سیاست های ابلاغی جایگزین لایحه پیشنهادی گشته از تصویب بگذرد، زیرا بی تردید هم در تصویب آن تسریع خواهد شد و هم از بروز انحرافات که ممکن است ضمن بررسی لایحه پیشنهادی و

سرانجام بعد از گذشت نزدیک به دو سال از تاریخ ابلاغ سیاست های کلی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی که بارها اشاره شد به عنوان نقطه عطفی در تاریخ تحولات اقتصادی کشور و گذر از اقتصاد بسته و متمرکز دولتی به اقتصاد آزاد ثبت و به جا خواهد ماند، لایحه چگونگی اجرای این ابلاغیه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شده است؛ لایحه ای که مرور حتی کوتاه و گذرای آن بیانگر انجام مطالعه و تحمل زحمات زیادی از سوی تهیه کنندگان آن می باشد، هر چند آنچنان پیچیده است که بی تردید بررسی دقیق و تصویب آن در قوه مقننه اگر نه سال ها، بلکه ماه ها بحث و گفتگو را طلب می کند، به ویژه آنکه طبق اخبار منتشره گویی لایحه تسهیل رقابت و ... که کلیات آن نیز از تصویب گذشته، قرار است در این لایحه ادغام و مورد بررسی و اظهار نظر و تصویب قرار گیرد.

با توجه به نتایج حاصل از مطالعه و بررسی کوتاه و همه جانبه ای که اشاره شد در متن لایحه پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی انجام پذیرفته است، که در

سخن ماه



درباره:

جذب سرمایه‌های خارجی جایگاه، موانع، راهکار

از: دکتر امیر هوشنگ امینی

صلح و آرامش در سطح منطقه که کلاً منجر به بهبود و شکوفایی اقتصادی و در نتیجه رفاه عمومی خواهد شد.

بنابر آنچه مورد اشاره قرار گرفت، روشن است که تبیین درست و سنجیده جایگاه جذب سرمایه‌های خارجی در اقتصاد ایران و موانع و راهکارهای دستیابی به آن مستلزم آرایه دست کم شمائی هر چند کلی، از چگونگی وضع موجود از جهات گوناگون اما سنجیده و به دور از هر گونه احساسات میهنی یا ناشی از موقعیت شغلی، اجتماعی و طبقاتی، به ویژه سیاسی می‌باشد.

بنابراین در تبیین آنچه مورد نظر است، باید در نظر داشت که ایران سرزمینی پهناور و برخوردار از انواع مواهب طبیعی، اعم از انواع آب و هوای متنوع، ذخائر و ثروت‌های زیرزمینی، جمعیت جوان مولد و مصرف‌کننده که از عمده عوامل موثر در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، موقعیت سیاسی- اقتصادی ویژه (ژئواکونومیکس و ژئوپولیتیکس) در سطح منطقه و از جهاتی جهان می‌باشد. لذا لازمه دستیابی به هدف که در واقع همانا تعیین جایگاه سرمایه‌گذاری

پیشرفته یا رو به پیشرفت، فارغ از هر گونه مقدمه چینی غیر ضرور از چنان جایگاهی برخوردار است که اگر نه بر همگان، اما بر کلیه دست اندرکاران اداره امور اقتصادی، به ویژه اقتصاددانان‌ها و حتی اقتصادی نویس‌ها و اقتصاد خوان‌ها از روز روشن تر است و لذا نیازی به تبیین آن متبادر به ذهن نمی‌شود، زیرا روشن است که سرمایه‌گذاری خارجی افزون بر تامین منابع مالی مورد نیاز در فرآیند تولید و تبعات ناشی از آن که عبارتست از ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کمک به رشد نرخ کم و کیف تولید و تولید انبوه، تامین نیازهای داخلی و برخوردار شدن از امکان حضور در بازارهای صادراتی منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد منابع جدید مالیاتی ناشی از اشتغال و تولید ایجاد شده و به تبع آن، ایجاد منابع جدید درآمد برای دولت، انتقال و جذب دانش فنی یا فناوری، دستیابی به بخشی از سهم کشور سرمایه‌گذار در بازارهای صادراتی بین‌المللی با حذف توان رقابتی کشور سرمایه‌گذار در بازارهای صادراتی و تبعات دیگر سرمایه‌گذاری خارجی مهمتر از همه کمک به برقراری

اشاره:

بحث درباره جذب سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری، اعم از مستقیم یا مشارکت در سرمایه‌گذاری و تولید، برخلاف سال‌های آغازین و بعد از انقلاب جمهوری اسلامی که از نظر برخی اشخاص مذموم و مغایر با مصالح ملی اعلام می‌شد، چندینست که نه تنها کسی در مخالفت با آن سخنی بر زبان نمی‌راند بلکه نقل - اگر نه همه اما - بیشتر محافل و مجالس اقتصادی می‌باشد و همه بر ضرورت دستیابی به آن تاکید دارند. بنابراین، باتوجه به راهکارهای گوناگونی که بی‌توجه به اصول و مبانی مربوط، گهگاه از سوی برخی اشخاص عنوان می‌شود، به نظر می‌رسد ادای گفتاری هر چند کوتاه و گذرا، اما برابر با اصول و به گونه‌ای روشن در این باره، اعم از جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد و به ویژه در اقتصاد ایران، موانع فرا راه آن در کشور، و در نهایت راهکارهای متصور بر انجام آن خالی از فایده نباشد.

از این، رو بدواً باید یادآور شد که سرمایه‌گذاری خارجی در هر اقتصادی اعم از

خارجی در اقتصاد ایران و موانع و راهکارهای آن می‌باشد، ناگفته پیداست که در گروی شناسایی و تبیین آنها برای دستیابی به هدف خواهد بود.

اکنون با مروری کوتاه و گذرا در اقتصاد ایران و آمار و ارقام عملکرد آن در سال‌ها و دهه‌های متفاوت ملاحظه می‌شود که اقتصاد ایران در نظام اقتصادی بسته، دستوری و متمرکز دولتی فسادبرانگیز و فقرآوری محصور است که منابع مالی مورد نیاز آن که بایستی از درآمدهای ناشی از فعالیت‌های اقتصادی باشد، با اطلاق درآمد به وجوه حاصل از فروش نفت و سایر ثروت یا دارایی‌های ملی، کم یا بیش متوسل به این منابع ثروتی اعم از طبیعی و مصنوع می‌باشد و تنها از یک وجه نیروی انسانی جوان خود که در واقع همانا مصرف و مصرف‌گرایی باشد، بهره می‌جوید. ضمن اینکه از ضعف و دربرخی موارد امور اقتصادی کشور از نبود مدیریت اقتصادی، آنهم در فضایی مملو از قوانین و مقررات متضاد، به ویژه منطبق نبودن راهبردهای سیاسی - اقتصادی بر یکدیگر رنج می‌برد و لذا در اقتصادی که درآمد سرانه آن رقمی در حدود ۳۵۰۰ دلار است، استاندارد زندگی آن دست کم در تهران با جمعیتی بیش از ۱۰ میلیون نفر، جمعیت ویژه اقتصادهایی با درآمد دست کم ۲۵۰۰۰ دلار برقرار شده است که در هر حال در میان مدت نیز پاسخگو نخواهد بود.

بنابراین مراتب جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران به جهات بسیار متمایز از سایر جامعه‌های اقتصادی یا کشورهای دیگر می‌باشد، زیرا چنانچه جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد کشور را از زوایای گوناگون و متمایز از یکدیگر مورد توجه و بررسی قرار دهیم، بدون تردید ملاحظه خواهد شد که ایران از این لحاظ به جهات ویژگی‌های آن که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت و دلیل بر این ادعا می‌باشد، متمایز از سایر کشورهای جهان به استثنای چند کشور انگشت شمار

می‌باشد. به ویژه آنکه ایران در کانون کشورهایی با حدود بیش از چهارصد میلیون نفر جمعیت نیازمند کلیه مایحتاج روزمره خود قرار گرفته است که با برخوردار بودن از کلیه امکانات ارتباطات زمینی، هوایی و دریایی، تاسیسات زیربنایی لازم، انرژی ارزان و نیروی انسانی تا حدودی ماهر برای هر گونه سرمایه‌گذاری و ... و در مجموع کلیه عوامل و امکانات مورد نیاز شرکت‌های

**روشن است که تبیین درست
و سنجیده جایگاه جذب
سرمایه‌های خارجی در اقتصاد
ایران و موانع و راهکارهای
دستیابی به آن مستلزم ارایه
دست کم شمائی هر چند کلی،
از چگونگی وضع موجود از
جهت گوناگون اما سنجیده و به
دور از هر گونه احساسات میهنی
یا ناشی از موقعیت شغلی،
اجتماعی و طبقاتی، به ویژه
سیاسی می‌باشد.**

چند ملیتی در جستجوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به صورت مستقیم یا مشارکت در سرمایه‌گذاری برای تولید یک یا چند نوع کالای قابل عرضه در بازارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار می‌باشد و لذا تردید نیست که در صورت فراهم بودن فضا و شرایط مناسب و مورد نیاز برای جذب سرمایه‌های خارجی و به طور کلی سرمایه‌گذاری، سرمایه‌های خارجی خود به خود سرازیر این کشور خواهد شد؛ کشوری که هم اکنون از بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی واقعی رنج می‌برد که نه تنها به عنوان مشکل حال کشور مطرح است، بلکه مشکل آینده کشور نیز خواهد بود.

بنابراین به نظر می‌رسد جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باتوجه به مشکلات ناشی از محروم ماندن از امکان

بهره‌گیری سنجیده از موهبت‌های موجود و ناشی از نبود امکان به فعل درآوردن حتی بخشی از امکانات بالقوه کشور نیازی به توضیح نداشته باشد.

و اما به حکم علم باید پذیرفت که عمده موانع فراراه جذب سرمایه‌های خارجی اعم از مستقیم یا مشارکت در سرمایه‌گذاری و تولید بیش و پیش از موانعی که ممکن است در هر اقتصادی وجود داشته باشد، در اقتصاد ما خود اقتصاد بسته و متمرکز دولتی حاکم است که با وجود تاکید کلیه برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی سالانه دولت‌ها مبنی بر ضرورت کاهش اندام فربه دولت و تقویت بخش خصوصی، متاسفانه تاکنون و در عمل عکس آن را شاهد بوده‌ایم. اما اکنون با ابلاغ سیاست‌های کلی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و لغو انحصارات دولتی در تصدیگری‌های اقتصادی و گشایش ورود بخش خصوصی به کلیه فعالیت‌های اقتصادی به استثنای چند مورد انگشت شمار که ویژه دولت باقیمانده است مانند استخراج نفت و گاز یا رادیو-تلویزیون و توزیع انرژی و منع دولت از ورود به تصدی‌گری‌های اقتصادی این امید ایجاد شده است که با تصویب قانون چگونگی اجرای اصل ۴۴ که به حکم منطبق بهترین شکل آن تبدیل عین ابلاغیه به قانون می‌باشد، در صورت فراهم سازی شرایط مورد نیاز و متناسب با اصول و مبانی لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، امکان جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در قیاس با بیشتر کشورها، به ویژه در سطح منطقه و حتی وسیعتر بیشتر فراهم خواهد بود. مشروط به اینکه شرایط قانونی مورد نظر با واگذاری تکلیف اصلاح و یا تغییر همزمان کلیه قوانین و مقررات موثر بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی عهده دولت یا کمیسیون از کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و مشاورت اتاق ایران واگذار شود.

□